



بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کرمانشاه
سال یکم | شماره ۳ | خرداد ماه ۱۴۰۳



- ۱ ● رئیسی عزیز خستگی نمیشناخت!
- ۲ ● مثبت صد
- ۳ ● مصلحت
- ۴ ● یا مرگ یا خمینی!
- ۵ ● معظلی به نام سگ گردانی!
- ۶ ● روز عرفه و فضیلت آن
- ۷ ● الهی، کمک کن جز به وحدانیت تو...

بسم الله الرحمن الرحیم



رئیس عزیز خستگی نمیشناخت

مقام معظم رهبری

مقدمه: عصر روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ خبری در رسانه های داخلی بازتاب پیدا کرد مبنی بر اینکه بالگرد حامل رئیس جمهور و هیئت همراهش پس از بازگشت از مراسم افتتاح سد مرزی "قیز قلعه سی" در آذربایجان شرقی، به دلیل شرایط بد جوی، دچار سانحه شده و مجبور به فرود سخت در منطقه ای کوهستانی و جنگلی شده است. عوارغم تلاش های تیم های امدادی تا حدود ۱۵ ساعت هیچ اثری از بالگرد پیدا نشد.

حوالی ساعت ۵ بامداد روز بعد، پهباد های شناسایی لاشه بالگرد را پیدا نموده و تیم های امدادی به سمت محل آن حرکت کردند که متأسفانه ریاست محترم جمهور، وزیر امور خارجه، امام جمعه تبریز، استاندار آذربایجان شرقی، سرتیم حفاظتی رئیس جمهور و خلبانان بالگرد، همگی به شهادت رسیده بودند. با اعلام رسمی این خبر، ملت شریف ایران بار دیگر عزادار خادمان دیگری شدند که شبانه روز مشغول خدمت به مردم بودند و خستگی نمی شناختند.

رئیس؛ رجایی زیست، بهشتی شد

چه کسی فکرش را می کرد کمتر از سه سال پس از حکم تنفیذ ریاست جمهوری، که در آن بر خستگی ناپذیری و کارآزموده و مردمی بودن رئیس جمهور منتخب تأکید شده بود، پیام تسلیتی از سوی رهبر انقلاب به مناسبت شهادت او و همراهانش صادر شود؟! آن هم دقیقاً با همان مضمون: **رئیس عزیز خستگی نمیشناخت؛** این جمله از پیام تسلیت رهبر انقلاب به مناسبت سانحه ای که برای رئیس جمهور و همراهان ایشان در شمال غرب کشور رخ داد و منجر به شهادت این عزیزان شد،

شاهبیتی بود که در فضای رسانه ای و شبکه های اجتماعی بسیار دست به دست شد و چرخید. خستگی ناپذیری و مردمی بودن دو ویژگی برجسته و مهم رئیس جمهور فقید، حجت الاسلام و المسلمین رئیسی بود که در متن پیام تسلیت رهبر انقلاب نیز بر آن تأکید شده است. مروری بر بیانات پیشین حضرت آیت الله خامنه ای درباره کارنامه و فعالیت های شهید رئیسی نشانگر نوع نگاه و ارزیابی رهبر انقلاب نسبت به این چهره انقلابی کشور به عنوان یک مدیر خدوم و خستگی ناپذیر است.

مدیریت جهادی

رهبر انقلاب هفتم مهرماه سال ۱۴۰۰ و در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه درباره کارنامه آقای رئیسی، رئیس سابق این قوه می فرمایند: لازم است یک خدا قوتی به جناب آقای رئیسی عرض بکنیم. قوه قضائیه طبعاً در معرض یک تغییر و تبدیلی است. ایشان در این دو سال و چند ماهی که مسئولیت قوه قضائیه را داشتند، حقاً زحمت کشیدند، تلاش کردند، کارهای خوبی انجام گرفت در این قوه و حرکت جناب آقای رئیسی در قوه قضائیه مصداق همان چیزی بود که ما همیشه تکرار می کنیم یعنی حرکت جهادی؛ حرکت جهادی، یعنی جدی، شبانه روزی، پرتلاش، پرانگیزه؛ یک حرکت این جوری بود، بحمدالله آثار خوبی هم داشت و مهم ترین اثر این حرکت همین بود که امید مردم به قوه قضائیه را زنده کرد، احیا کرد، مردم را به قوه قضائیه خوش بین کرد. و یا پیش از آن و درباره دوره تولیت آستان مقدس رضوی، رهبر انقلاب مدیریت شهید رئیسی در این دوره را خدمت پر تلاش و پر ثمر و پایه گذاری

کارهای ماندگار می نامند. مدیریت خستگی ناپذیر و سلامت این شهید در مسئولیت های مختلف خود را نشان داده و همین موضوع از وی یک چهره کارآزموده ساخته بود: جناب عالی را که خود نشأت یافته ای آن دیار پربرکت، و برخوردار از صلاح و امانت، و کارآزموده در مدیریت های کلان می باشید، به تولیت آن آستان نورانی و مقدس منصوب می کنم. و اینجانب برای تحقق این مقصود حیاتی، تحول در دستگاه قضایی جناب عالی را برگزیده ام که دارای سوابق طولانی در سطوح مختلف قوه قضائیه و آشنا با همه ی زوایای آن می باشید و از طرفی در کنار فقاقت از تحصیلات حقوقی و دانش و تجربه در این عرصه مهم برخوردارید، و سلامت و امانت و کارآمدی خود را در مقاطع گوناگون خدمت نشان داده اید.

در پیام تسلیت رهبر انقلاب نیز که به نوعی ارزیابی معظم له از کارنامه شهید است، بر ویژگی خدمت خستگی ناپذیر به مردم و اولویت داشتن این موضوع تأکید شده است: همه مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و چه پیش از آن، یکسره به تلاش بی وقفه در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد.

شاگرد مرام بهشتی

روایت خود شهید نیز از این موضوع جالب و قابل تأمل است و نشان دهنده اخلاص و سعه صدر بالا و ترجیح رضایت امام امت و مصالح مردم بر هر چیز دیگری است. آنجا که در آخرین جلسه هیئت دولت پیش از شهادت می گوید: پیمان خودم هست با خداوند متعال که من خلاف خواست رهبری که عبارت باشد از طرح کردن موضوعی که در آن

زمینه اختلاف قوا باشد، من مطرح نکردم تاکنون و مطرح هم نخواهم کرد. بخاطر اینکه این مشرب من هست، خیلی هم در این قضیه تحت فشار هم روحی هستم، می‌توانی این را با یک بیانی در جایی مطرح کنی، بالاخره ما هم تریبون داریم. اما این که من بیایم این را مطرح کنم، هر وقت میخواهم هر حرفی بزنم، خدا می‌داند به یاد مرحوم بهشتی می‌فتم. البته من شاگرد ایشان محسوب می‌شوم، اصلاً این عناوین هم ما را گول نمی‌زند، بارها گفتم ایشان آقا بود، آیت‌الله بود، در واقع عالم بود،

مطرح نمی‌کنم، بنای من بر این نیست که چنین چیزی را این طوری مطرح کنم، چیزی که بوی اختلاف از آن بیاید. چرا؛ در جلسات خصوصی ممکن است من یک حرفی بزنم بگویم که آقا این چطور است و اینها البته آن‌جا هم رعایت می‌کنم. مردم آستانه تحملشان این چیزها نیست. این جفای به مردم است. قطعاً مزد چنین کارنامه پربار و مخلصانه‌ای **شهادت** بود و بدون شک مردم قدردان چنین شخصیتی هستند.

امیررضا عادلی، علوم اجتماعی ۱۴۰۰



طرف درست تاریخ

دانشگاه‌های آمریکا از اوایل اردیبهشت به نشانه اعتراض به نسل‌کشی رژیم صهیونیستی در نوار غزه، شاهد اعتراض‌هایی است که از نگاه ناظران، نمونه آن در دهه ۱۹۶۰ میلادی و اعتراض‌های دانشگاه‌های این کشور به جنگ ویتنام دیده شده بود. این اعتراض‌ها در بیش از ۵۰ دانشگاه آمریکا به نسل‌کشی صهیونیست‌ها تا جایی پیش رفت که دامنه آن برخی دیگر از کشورهای غربی، استرالیا (دانشگاه‌های ملبورن و سیدنی)، کانادا (دانشگاه‌های مک‌گیل و کنکوردیا)، فرانسه (مؤسسه مطالعات سیاسی پاریس و دانشگاه سوربن)، ایتالیا (دانشگاه ساینزا)، انگلیس (دانشگاه‌های لیدز، کالج لندن و دانشگاه وارویک) و غیره کشیده شد. آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، در تاریخ ۱۰ خرداد ماه ۱۴۰۳ نامه مهمی خطاب به دانشجویان حامی فلسطین در آمریکا منتشر کردند که به واسطه شهادت رئیس‌جمهور و شرایط انتخاباتی جامعه آنچنان باید مورد توجه و دقت قرار نگرفت. در متن نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همان ابتدا آمده است: «این نامه را به جوانانی می‌نویسم که وجدان بیدارشان آنها را به دفاع از کودکان و زنان مظلوم غزه برانگیخته است. جوانان عزیز دانشجو در ایالات متّحده آمریکا! این، پیام همدلی و همبستگی ما با شما است. شما اکنون در طرف درست تاریخ که در حال ورق خوردن است ایستاده‌اید. شما اکنون بخشی از جبهه مقاومت را تشکیل داده‌اید، و در زیر فشار بی‌رحمانه دولّتان که آشکارا از رژیم غاصب

دانشمند بود، انقلابی بود، من یک طلبه محضم. ایشان در مسجدالجمود من یادم هست ریختند دورش گفتند تو هم بگو، فلانی‌ها هم می‌گویند. گفت: امام فرموده است سکوت، سکوت، سکوت و جلسه را تمام کرد. من همه‌اش که به یاد حرف ایشان می‌فتم، می‌گویم که آخر فلانی! تو قرار است ادعا بکنی که من انقلابی‌م، در صورتی که تو هم به حرف آقا گوش ندی، دیگری هم این طور، آخر پس فرق تو و دیگری چیست؟ اتفاقاً همین جا جای امتحان است، همین‌جا جای آزمون است. لذا من

از طرفی بدنه دانشجویی را انسان‌های معتقدی معرفی می‌نماید و برای آنها آرمان‌هایی را بیان کرده که به نوعی می‌توان آن را آرمان نامه دانشجویی نامید. یکی از این آرمان‌ها مسئله علم است؛ دومی عدالت‌خواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادی‌خواهی است. تاکید و کوشش ایشان در جهت راهبری و شکل‌گیری گفت‌وگو میان عدالت‌خواهی ستودنی و قابل تقدیر است. قاعدتاً برای حرکت در مسیری نوین، نقشه راه ضروریست. همراهی فردی آگاه که قدم به قدم همسفر و راهنما باشد نیز مکمل و به نوعی تضمین‌کننده نتیجه است. حال این راهنما و عالم فرزانه دست به سوی ما دراز کرده که هم‌قدم و پویا پا به عرصه گذاشته و متصل به منبع نور باشیم. ایشان القای آزاد اندیشی را ارائه داده و کرسی‌های آزاد اندیشی را بستری در جهت اجرای این مهم در نظر گرفته‌اند. کرسی‌های آزاداندیشی موثر در پرورش و شکوفایی مهارت‌های گفتگو و تفکر نقادانه در میان دانشجویان است. و فرصتی را فراهم می‌آورد که دانشجو با استدلال منطقی و به دور از تعصبات به تبادل نظر بپردازد. از طرفی کرسی، جامعه را از حالت یک طرفه‌گویی خارج می‌کند و نمودی از دموکراسی و آزادی بیان است. این سنت حسنه ظرفیت نقش‌آفرینی در تقویت مهارت‌های استدلال منطقی، تفکر نقادانه، شنیدن دیدگاه‌های مخالف و تبادل نظر و در نهایت تربیت نسلی آزاد اندیش و عدالت‌خواه را دارا است. در آخر شایان به ذکر است که اگر ما قشر دانشجو ذره‌ای (کلام) رهبری را درک کرد و به فهم درستی از ولایت‌پذیری رسیده بودیم در همان بیان اول صد گام بر می‌داشتیم؛ نه اینکه برای یک گام ما **۱۰۰+** بار از آزاد اندیشی و ضرورت آن سخن بگویند. ان‌شاءالله که این قصور را جبران کرده و در کارزار اندیشه‌ها سربلند و سرافراز در پیشگاه خداوند و ولی عصر(عج) حاضر باشیم.

کیمیا میرزایی، آموزش ابتدایی ۱۴۰۰

مثبت صد

تحلیلی بر موضوع آزاد اندیشی

«فکر کنید، بگوئید، بنویسید، در مجامع خودتان منعکس کنید؛ آن کرسی‌های آزاد اندیشی را که من صد بار با کم و زیادش تأکید کردم، راه بیندازید و اینها را هی آنجا بگوئید؛ این می‌شود یک فضا. وقتی یک فضای گفت‌وگویی به وجود آمد، همه در آن فضا فکر می‌کنند، جهت‌گیری پیدا می‌کنند و در آن فضا کار می‌کنند؛ این همان چیزی است که شما می‌خواهید.» مقام معظم رهبری — امروزه به عنوان یکی از ضروریات اجتماعات؛ باید به مقوله آزاداندیشی و گفت‌وگو سازی نگاهی ویژه داشته باشیم. ضرورت این امر جدید و نو ظهور نیست؛ اما اجرا و به ثمر رساندن آن امری تحولی و در حقیقت انقلابی فرهنگی می‌باشد. آزادی اندیشه در قالب امر به تفکر، تعقل، تدبیر و امثالهم در بیش از ۳۰۰ آیه از آیات قرآن کریم مطرح شده است. در بیانی، مهم آنکه ذات مقدس الهی، هدف از نزول قرآن را تعقل و تدبیر معرفی می‌نماید و این خود بیانگر اهمیت این موضوع است. در بیان بزرگان انقلاب اسلامی از جمله امام خمینی(ره)، شهید مرتضی مطهری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و... نیز به تفکر آزاد و آزادی اندیشه اشاره شده است. از دیدگاه امام خمینی(ره): «آزادی یک مسئله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است. کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید.» شهید مطهری پا را فراتر گذاشته و معتقد است؛ تفکر و آزادی اندیشه یکی از واجبات در اسلام بوده و حتی آزادی دادن به نظرات مخالف و مواجهه صریح و علمی با آنها را روشی برای پاسداری از دین است. در این بین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) اهمیت ویژه‌ای برای مقوله آزاد اندیشی قائل است و آزاد اندیشی را راهکاری در جهت تمدن‌سازی اسلامی و رشد علم و فناوری و فرهنگ می‌داند.

بالین نهاده، خوابی می‌دیدند و صبحش لکه ننگی کبودتر به دامن مملکت می‌زدند! روزی صلاح را بر این می‌دیدند که بحرین عروس شود و روز دیگر مسجد سلیمان را حنا می‌بستند.

اول مهر و بنچاق می‌زدند و سپس افاضه فضل می‌کردند و می‌فرمودند: «ما این ماده‌ی بدبوی عَفَن را می‌خواهیم چه کار کنیم، بگذارید بردارند ببرند!» و این‌گونه ثروت ملی و حق ملت را دو دستی تقدیم می‌کردند که عده‌ای آن را به تاراج ببرند و این استعماری خودخواسته بود. نتیجه‌ی این ننگ چیزی نبود جز چوبی دو سر طلا که بر فرق سر ملت کوفته می‌شد و آثار آن را همچنان بر جمجمه اقتصاد میتوان یافت. رد این فتوحات ننگین و تپه نوردی ها هنوز هم بر ذهن و کلام عده‌ای باقیست. با اندکی تامل مشهود است که در اندیشه و منش غربگدایان مصلحت اندیش؛ انرژی هسته‌ای امروز، همان نفت بدبوی دیروز است.

باز الحمدلله در نتیجه‌ی اعمال عالمانه و سیاست هوشمندانه «بگذارید بردارند ببرند» دولتمردان؛ در سراسر جهان ما را به دست و دلبازی می‌شناسند. بی انصافی نباشد مصلحت همیشه در قامت این امور نبوده و یقه سفیدها گاهی آن را معادل سکوت هم می‌دانستند. سکوت؛ در زمانی که حقی از سنگینی ناحقی کمر خم کرده یا هنگام کشف فساد و خیانتی بزرگ!

آنگونه که هویداست حفظ آبروی مفسدین را بالاتر از هر آنچه بود می‌دانستند و معتقد بودند گاهی به صلاح است که کور شوند و دور شوند.


تلخ است اما با آنچه که خوانده‌ایم و دیده‌ایم در لغت‌نامه‌ی ما عوام‌الناس مصلحت یعنی ذبح حق برای راهبردی شخصی و جناحی؛ یعنی همان شیرهی صد منی بر سر خلق الله مالیدن.

از روزهای دور و #فتنه مصلحت گفتیم؛ اما تاریخ در تکرار است و ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم.

شاید به مصلحت نباشد که بیش از این من باب مصلحت سخن کنیم.

و اما کلام آخر؛ مالک را گفتند چگونه است که تو هیچوقت در مه آلودترین ایام هم راه را گم نمی‌کنی؟


پاسخ داد: «در غبار #فتنه ها چشم به انگشت اشاره #علی دارم.»

 **کیما میرزایی، آموزش ابتدایی ۱۴۰۰**

هویتی جهان پیش روست.

رهبر معظم انقلاب در بخش دیگری از نامه شأن به دانشجویان حامی مردم فلسطین در دانشگاه‌های ایالات متحده آمریکا تاکید می‌کنند: من می‌خواهم به شما اطمینان دهم که امروز وضعیّت در حال تغییر است. سرنوشت دیگری در انتظار منطقه حسّاس غرب آسیا است. بسیاری از وجدان‌ها در مقیاس جهانی بیدار شده و حقیقت در حال آشکار شدن است. جبهه مقاومت هم نیرومند شده و نیرومندتر خواهد شد. تاریخ هم در حال ورق خوردن است.

در دوگانه مقاومت و جبهه استکبار، بیداری ملت‌ها، ایستادگی و همراهی آنها دقیقاً نقطه مقابل روش مستکبرین و استثمارگران بشریت است که به دنبال خفقان، نادانی و حضور صوری و نمایشی ملت‌ها و مردم در سرنوشت تصمیمات جهان اند. لذا بیداری جوانان اروپا و آمریکا در اعتراض به نسل کشی صهیونیست‌ها و پروژه صهیونیست‌ها در فلسطین و به تبع آن سردمداران جبهه لیبرال دموکراسی اتفاق مبارکی است و آنها را جزئی از جبهه بزرگ مقاومت قرار می‌دهد؛ جبهه‌ای که ۷ اکتبر تنها مصداقی از بیداری، شجاعت و ایمان مردمی از این جبهه بود.

 **خبرگزاری مهر**

مصلحت

«مصلحت» واژه‌ای آشنا و توأمان با ذلت برای ملتی است که عزتش همواره در قمار مصلحت اندیشی عده‌ای خاص؛ نقش آن دخترکی را داشته که در دور آخر به دست بی‌غیرتی باخت میشد. از قدیم الایام براین کره‌ی خاکی بسیار فرومایگانی بودند که بر تخت سلطنت و ریاست نشسته و نه تنها سبب هلاکت شایستگان و ضایع شدن حق بیچارگان می‌شدند بلکه جا خوش کرده و طلبکار حق نطلبیده هم بودند. در تاریخ کم نداریم جماعتی را که بر تن خیانتشان خرقه‌ی مصلحت پوشانده و گاهی آن را بر دوش منافع شخصی سوار می‌کردند. گاهی نیز مصلحت ملت را به دم مصلحت آقازاده‌ها گره زده و دور اروپا می‌گرداندند. القصه ملت را چهارپا هم فرض نکرده و هر آنچه که باب دل می‌دیدند؛ امری ضرور می‌خواندند و انتظار اطاعت امر داشتند. با اینکه هیچگاه مرد عمل نبودند اما برای گشودن دروازه‌های ذلت فی‌الفور آستین بالا می‌زدند! و امان از زمانی که رعیتی بی‌مقدار لب به شکوه می‌گشود. به کلام ساده آنگاه بود که منتقد چون برجانی را ملحد تندرو می‌نامیدند و تشت رسوایی‌اش را از طاق آسمان به زمین می‌انداختند. فاتحان هر شب سر بر

و بی‌رحم صهیونیست دفاع می‌کند مبارزه‌ای شرافتمندانه را آغاز کرده‌اید.»

#طرف_درست_تاریخ و خطاب قرار دادن دانشجویان آمریکایی به عنوان جزئی از جبهه مقاومت، دو کلید واژه پربازتاب نامه رهبری در رسانه‌های بین‌المللی و داخلی بود.

در وهله اول ممکن است برخی گمان کنند در طرف درست تاریخ یا عضوی از جبهه مقاومت نامیدن دانشجویان آمریکایی معترض به نسل کشی رژیم صهیونیستی تعارف رسانه‌ای یا اقدام سیاسی برای برجسته سازی این اتفاقات است، اما مروری دقیق بر نگاه کلان امام خمینی و رهبر معظم انقلاب در مسئله فلسطین و همچنین نوع تنظیم گری روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که بکار بردن این کلمات دقیق و از روی باوری قدیمی تر است.

هیچ گاه جبهه بندی در ادبیات امامین انقلاب اسلامی ایران، شیعه گری، جهان اسلام و یا حتی منافع ایران و موافقت یا مخالفت با سیستم جمهوری اسلامی نبوده است. دو کلید واژه استکبار و استضعاف دو کلمه دقیق برای فهم جبهه بندی در تفکر انقلاب اسلامی است. سال ۹۸ رهبر انقلاب در دیداری گفتند: مستضعفان برخلاف آنچه که امروز به‌اشتباه، به افراد آسیب‌پذیر و فرودست می‌گویند، به معنای انسان‌هایی است که پیشوایان بالقوه عالم بشریت و خلیفه‌الله در زمین هستند؛ بنابراین مقاومت نیازمند بنیه‌ی معنوی است و این بنیه‌ی معنوی در ماهیت حرکت بویژه حرکت روبه‌جلوی جوانان تأثیرگذار خواهد بود. در این دوگانه، فلسطین معیاری اصیل و سرنوشت ساز در نبرد دو جبهه حق و باطل برای دهه‌های پیش رو و تعیین کننده مسیر منطقه و جهان خواهد بود. لذا هر کسی در این هدف جبهه مقاومت جزوی از این جبهه مهم و سرنوشت ساز مقاومت است؛ جبهه‌ای که فراتر از همه دوگانه‌های ساختگی ایرانی و غیر ایرانی، شیعی و سنی، شرقی و غربی و... عمل خواهد کرد.

فلسطین امروزه به مصداق تام، کامل و عینی دو جبهه استقامت، حق طلبی، ایستادگی و مردانگی در مقابل زورگویی، استکبار و استثمار ملت‌ها، جنایت و نسل کشی ایستاده است. جبهه مقاومت اکنون در فلسطین خط مقدم در مقابل جبهه کفر و استکبار در مقابل تغییر خواست و اراده ملت و تغییر نظم منطقه و جهان برای استثمار سیاسی، فرهنگی و

یا مرگ یا خمینی

پس از اعتراض امام خمینی به اصلاحات آمریکایی شاه و حمله رژیم به فیضیه، صدای اعتراض مردم در شهرهای مختلف بلند شد. امام در ۱۳ خرداد ۱۳۴۲ (عصر عاشورا) در سخنانی حکومت پهلوی را به دستگاه بنی امیه تشبیه کرد و ضمن نصیحت به شاه، او را به عبرت گرفتن از سرانجام پدرش فرا خواند. سخنان تند امام خمینی موجب دستگیری و انتقال ایشان به تهران در شب پانزده خرداد شد. با انتشار خبر بازداشت، بازار تهران تعطیل شد و مردم در تهران، قم، اراک و برخی شهرهای دیگر به خیابان ها ریختند و قیام پانزده خرداد شکل گرفت. این قیام به دستور علم، نخست وزیر، به شدت سرکوب شد؛ چنان که هرگز آمار دقیقی از کشته شدگان معلوم نشد. به دنبال این سخنرانی، در شب پانزده خرداد پس از نیمه شب تعداد زیادی کماندو، چتر باز و سرباز گارد، مسلح به سلاح های سرد و گرم به قم رفتند و خانه امام خمینی را محاصره و ایشان را در سحرگاه پانزده خرداد در خانه خود در قم بازداشت کردند و به تهران بردند. هم زمان با بازداشت ایشان، سید حسن طباطبایی قمی و بهاءالدین محلاتی از مراجع مشهد و شیراز و برخی دیگر از روحانیان بازداشت شدند.

واکنش عمومی و شکل گیری قیام

با انتشار گسترده و سریع خبر بازداشت امام خمینی، بازار تهران تعطیل شد و این تعطیلی چهارده روز ادامه یافت. مردم همان روز در تهران و برخی دیگر شهرها به خیابان ها ریختند و قیام پانزده خرداد شکل گرفت. در قم نیز که مردم زودتر از شهرهای دیگر از بازداشت امام خمینی اطلاع یافته بودند، بی درنگ به طرف خانه ایشان و از آنجا به همراه فرزند بزرگ ایشان، سید مصطفی خمینی، به سوی حرم فاطمه معصومه(س) حرکت کردند. مراجع تقلید و علمای حوزه نیز همگی راهی صحن حرم فاطمه معصومه(س) شدند و شهر قم حالت انقلاب به خود گرفت. زنان نیز در این قیام شرکت فعال داشتند، به گونه ای که نخستین شهدای این قیام چهار نفر از بانوان قم بودند. سید مصطفی خمینی در سخنرانی کوتاهی شرح حادثه را بازگو کرد. مردم نیز با شعار "یا مرگ یا خمینی" ضمن درگیری با نیروهای نظامی و انتظامی، کلانتری منطقه سه قم را محاصره کردند که به درگیری با نیروهای مسلح انجامید و عده ای کشته و زخمی شدند. گفته

شده رژیم پهلوی که در سرکوب قیام مردم قم ناتوان بود، قصد داشت در صورت لزوم شهر را با هواپیما بمباران کند. بازاریان تهران با تعطیلی مغازه ها و دانشجویان تهران با تعطیل کردن کلاس ها به تظاهرات پرداختند و با هدف تصرف مرکز رادیو گرد آمدند و به تظاهرات پرداختند. این قیام خودجوش که برخاسته از احساس وظیفه دینی و شور ایمانی مردم بود و هیچ تشکیلاتی آن را سازماندهی نمی کرد تا بعد از ظهر ادامه یافت. مردم که افزون بر اداره رادیو قصد تصرف کاخ های مرمر و گلستان را داشتند؛ اما نیروهای نظامی و امنیتی به شدت آنان را سرکوب و تعدادی را شهید و مجروح کردند.



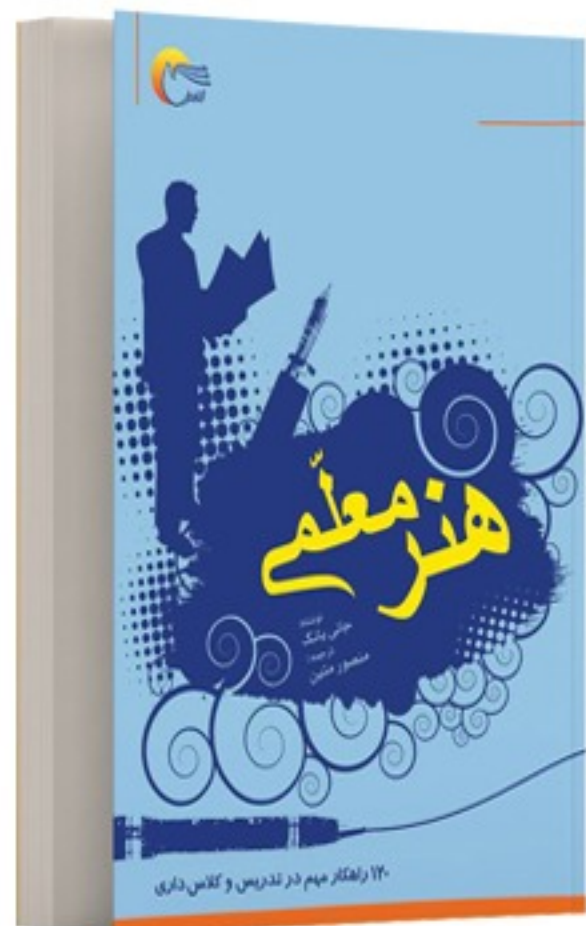
اقدام های رژیم پهلوی

اسدالله علم، پیش از پانزده خرداد در صدد بازداشت امام خمینی بود؛ اما چون برای او روشن بود که این کار واکنش شدید علما و مردم در قم و دیگر شهرها را در پی خواهد داشت، از محمدرضا پهلوی اجازه گرفت که واکنش مردم را به شدت سرکوب کند. رژیم پهلوی هم زمان با بازداشت امام خمینی حدود شصت نفر دیگر از مراجع، علما و واعظان را نیز از دیگر شهرها برای جلوگیری از هر گونه اقدام احتمالی بازداشت کرد. علم در روز پانزده خرداد به نعمت الله نصیری رئیس شهربانی دستور داد تا به تظاهرکنندگان تیراندازی کنند و در برابر تردید او یادآور شد به عنوان نخست وزیر دستور تیراندازی می دهد. پس از زدن و مجروح کردن و کشتار مردم در تهران و دیگر شهرها، تانک ها را در شهرها مستقر کردند و هواپیماها با پرواز بر فراز برخی از شهرها اقدام به شکستن دیوار صوتی کردند. برای انحراف افکار عمومی و توجیه جنایات صورت گرفته و ارتجاعی نشان دادن قیام، عده ای از مأموران ساواک با پیراهن سیاه به میان انبوه مردم تظاهرات کننده تهران رفتند و اقدام به آشوب و بلوا و به آتش کشیدن مغازه ها، کتابخانه ها و اتومبیل

ها کردند. پس از قیام پانزده خرداد نیز بازداشت ها و تبعیدها در سراسر کشور آغاز شد. یاران امام خمینی یکی پس از دیگری روانه زندان و تبعیدگاه شدند.

آثار و پیامدها

یکی از پیامدهای قیام، روشن شدن ماهیت واقعی رژیم ستمگر پهلوی برای مردم ایران و جهان بود. افزون بر آن قیام پانزده خرداد انسجام گروه ها و نیز افراد مخالف رژیم و افراد دارای مشی دینی واحد را در پی داشت و سبب شد کار تشکیلاتی و سازمان یافته بیشتر شود. این قیام اگرچه به ظاهر سرکوب شد، اما تأثیرات بلند مدت خود را بر روند اوضاع سیاسی اجتماعی ایران باقی گذاشت. به نظر برخی از تحلیلگران، خاطره کشتار پانزده خرداد ۱۳۴۲ همچون آتش زیر خاکستر باقی ماند تا در فرصتی مناسب شعله ور شود؛ همچنان که بحران تنباکو در دوره قاجار، تمرینی برای انقلاب مشروطه بود. این قیام نموداری از پیوند معنوی توده های مردم مسلمان با مرجعیت دینی بود که موجب سست شدن پایه های رژیم پهلوی و آگاهی اقشار مختلف مردم از مسائل سیاسی و اجتماعی شد. حضور گسترده زنان مسلمان در مبارزه با رژیم و همه گیر شدن فرهنگ شجاعت و شهادت طلبی از نتایج و تأثیرات قیام پانزده خرداد بود. این واقعه یکی از حوادث عجیب تاریخ در جهان است و برای دولت وقت و ناظران جهانی مایه ناباوری بود که چطور ممکن است با وجود آن محیط خفقان و دیکتاتوری چنان قیام مردمی ایجاد شود و اگر درست هدایت می شد انقلاب اسلامی همان روز به پیروزی می رسید. امام خمینی که قیام پانزده خرداد را مایه رشد و آگاهی مردم از مسائل سیاسی اجتماعی شمرده و آن را خمیر مایه نهضت ملت ایران و سرآغاز جلوه گری وعده قرآن کریم خوانده است. همچنین ایشان پانزده خرداد را از ایام الله خواند و با نفی ملی بودن قیام پانزده خرداد آن را قیامی قرآنی و اسلامی نامید که شهادت طلبی مردم آن را پدیدآورد. در حقیقت قیام پانزده خرداد نقطه عطفی در مبارزات ملت ایران در برابر حکومت پهلوی بود که استمرار یاد و خاطره آن به قیام سراسری ۱۳۵۷ و پیروزی انقلاب اسلامی انجامید، به گونه ای که اگر نهضت و قیام پانزده خرداد آن روز به وجود نمی آمد، شاید جنبش اسلامی مردم ایران سرنوشت دیگری داشت.



هنر معلمی

“جانی یانگ”

مترجم: منصوره متین

#علوم تربیتی

فارغ از عالم دنیوی از پله های خیال در کنار کتاب ها عبور می کردم که صدایی مرا از این گم گشتگی خود ساخته بیرون آورد. خانم جوانی کتاب در دست و از قرار معلوم در حال خواندن قسمتی از آن برای دوست نابینای خود بود: معلمان غالباً زیاد حرف می زنند و شاگردان به بسیاری از آنچه گفته می شود اهمیت نمی دهند هر چند که یادگرفته اند.

هنر معلمی اثر جانی یانگ، راهنمای ارزشمندی برای معلمان در هر سطحی از تجربه است. این کتاب با ارائه ۱۲۰ راهکار عملی و کاربردی، به معلمان کمک می کند تا با طیف وسیعی از چالش های در کلاس درس، از جمله مدیریت رفتار دانش آموزان، ایجاد انگیزه در آنها و تدریس موثر، مقابله کنند. نویسنده با تکیه بر تجربیات خود و سایر معلمان و با لحنی صمیمی و دوستانه، طیف گسترده ای از موضوعات را پوشش می دهد و راهکارهایی ارائه می دهد که به طور مستقیم در کلاس قابل اجرا هستند.

این کتاب در هفت بخش نگارش یافته است که شامل، شناخت تدریجی شاگردان، حفظ خونسردی در آشفتگی اوضاع، حل مشکلات متداول کلاس، تنبیه و تشویق، تصویری بزرگ و مدیریت رفتار خود می باشد.

خوانندگان این کتاب می تواند معلمان، دانشجو معلمان، مدیران و معاونان مدارس و همچنین اولیا دانش آموزان باشد. این کتاب با ارائه راهکارهای عملی و کاربردی، به معلمان کمک می کند تا به مربیان موثرتری تبدیل شوند و به دانش آموزان در رسیدن به پتانسیل کاملشان کمک کنند.

📖 **هایده مفاخری، مشاوره ۱۳۹۹**



آنچه که گفته شد قسمت هایی

از کتاب هنر معلمی نوشته

جانی یانگ می باشد.

برای مطالعه بیشتر و دریافت نسخه

الکترونیکی، بارکد را اسکن کنید.

و با فرهنگی مان در آنها قدم بزنند و بادی به کله شان بخورد؟! راه دور نمی روم. همین پارک شاید بغل دست ما را می بینید؟ پر شده از نمادهای با فرهنگی. یا بهتر است بگویم نمادهای ریز و درشت با فرهنگی. ما که از این چیزها سردر نمی آوریم شاید سگ هرچه درشت تر باشد نشان دهنده کلاس بیشتر است! بعد یک عده می گویند: سگ گردانی اگر باعث رعب و وحشت شود جرم است! کسی نیست بگوید آخر چه رعب و وحشتی؟! این موجودات عظیم الجثه ی سیاهی که چپ چپ نگاهت میکنند هم مگر ترس دارند؟ فوفش تکه پاره ات میکنند و تمام! ارگان های نظارتی هم نهایتاً می آیند برایت فاتحه می خوانند تا بعد از این روحت قرین آرامش باشد! چند وقت هم هست که مستند «دومینو» در شبکه سه پخش می شود و به موضوع سگ گردانی می پردازد. کدام سگ گردانی آقای مسئول؟ بفرمایید آدم گردانی، چرا که اخیراً سگ ها از صاحبانشان بزرگ تر شده اند و این سگ ها هستند که صاحبان فرهیخته شان را به این سو و آن سو می کشند و صرفاً بخاطر نان و نمکی که از سفره آنها می خورند همراهی شان می کنند به قول معروف وفا را باید از سگ جماعت یاد گرفت. خلاصه که که به نظرم خدارا خوش نمی آید. یک تجدید نظری در این باره داشته باشیم بد نیست، زیادی داریم قضیه را بزرگ می کنیم.

رویکرد کشورهای جهان به سگ گردانی

انگلیس: حین گردش، تمام مدت باید سگ تحت کنترل صاحبش باشد و استثنایی برای عمومی یا خصوصی بودن مکان وجود ندارد.

آلمان: تمامی سگ ها باید در مکان های عمومی با قلاده و تحت نظارت صاحبانشان تردد کنند.

فرانسه: تفکیک قانونی میان انواع سگ و تفاوت قائل شدن برای مسئولیت صاحبان آنها در قبال سگ و دیگران.

نروژ: تنها زمانی سگ ها می توانند بدون قلاده باشند که صاحب سگ در کنارش بوده و یا در حصاری که حیوان را از محل رفت و آمد جدا می کند، بماند.

هلند: لزوم گذراندن دوره های تئوری و عملی آموزشی توسط صاحبان، برای نگهداری سگ.

📖 **بهاره شرفی، امور تربیتی ۱۴۰۰**

معظلی به نام سگ گردانی!



این روزها همه چیز تغییر کرده، حتی سگ ها! بله درست است؛ سگ ها! سگ هایی که حالا وقتی از کنارشان عبور می کنند احساس حقارت می کنید و یا حتی شاید ته دلتان با خود بگویید: کاش جای آنها بودم. البته حق هم دارید. زندگی آنها بسیار لاکچری تر از زندگی خیلی از ماهاست. اما بیایید بی انصافی نکنیم، هرچه نباشد آنها نشانه های مدرنیت و این مایندی (روشنفکری) ما محسوب می شوند و باید یک فرقی با بقیه داشته باشند یا نه؟! اصلاً این موجودات مطهر و زیبا چه آزاری به ما می رسانند که این همه اعتراض می کنیم؟! بله... گفتم مطهر چون قیمت شامپوهایی که برای آنها استفاده می شود بسیار گران تر از شامپو گلرنگ هایی است که ما مصرف می کنیم. مغازه های لباس فروشی و آنلاین شاپ هم که خداروشکر به راه است. قلاده های هفت رنگ، لباس های شیک، مسواک های انگشتی، شیر خشک های خوش طعم، ظرف های مخصوص غذا و... هم که دارد طبق طبق عرضه می شود. علی برکت الله. اصلاً ما به کل در اشتباهیم. مصداق بارز حیوان آزاری خود ما هستیم که نمی گذاریم این زبان بسته ها به زندگی لاکچری شان ادامه دهند نه آن بنده خدایی که دارد در کمال احترام سگ زیبایش را پاپت صدا می زند و قلاده اش را به هر کجا که اراده کند می کشاند. تازه او را به فرزند خواندگی هم پذیرفته و جایگاهش را با اشرف مخلوقات یکی دانسته؛ دیگر چه لطفی از این بالاتر! راست هم می گویند اصلاً بچه می خواهیم چه کار؟ بگذار نسلمان منقرض شود. عوضش نسل سگ های عزیزتر از جانمان ادامه پیدا می کند. چه از این بهتر که در آینده یک مشت فامیل از جنس سگ داشته باشیم؟ یا اصلاً چه اشکالی دارد سگ ها خانه هایمان را تصاحب کنند و اگر به مذاقشان خوش آمد هر خانواده یک انسان را نگهداری کنند؟! البته به نظرم تا آن زمان تعدادمان آنقدر زیاد نیست که به هر خانواده یکی برسد! یا اصلاً پارک ها را درست است از پول بیت المال برای ما انسان ها ساخته اند اما خب به نظرشان ما نباید از حق خود بگذریم تا نمادهای به روز شدن

روز عرفه و فضیلت آن

نهمین روز از ذی الحجه، عرفه نام دارد. عرفات مکانی است که حضرت آدم علیه السلام اعتراف به گناه و تقصیر خود کرد و مورد مغفرت خداوند قرار گرفت. یا اینکه آدم و حوا پس از هبوط در این سرزمین مجدداً یکدیگر را یافته و شناختند، به این نام نامیده شده است. عرفات سرزمینی است که در آن گناه نشده و آنجا معبد تمام انبیا، اولیا، اوصیا، متقین و اصفیا بوده است.

روایت است که امام سجاد(ع) در روز عرفه صدای سائلی را شنید که از مردم درخواست کمک می کرد، حضرت به او فرمود: وای بر تو! آیا در مثل چنین روزی از غیر خدا درخواست می کنی و حال آنکه در این روز برای بچه هایی که در شکم مادرانند، امید سعادت و خوشبختی می رود.

خداوند متعال در شب و روز پر برکت عرفه پیش از آن که به حجاج صحرای عرفات نگاه کند به زوار سیدالشهدا(ع) نظر می کند و نظر رحمت خود را پیش از همه، مشمول آنان می گرداند. امام صادق(ع) فرمودند: کسی که در روز عرفه قبر حضرت حسین بن علی(ع) را زیارت کند خداوند متعال ثواب هزار هزار (یک میلیون) حج که با حضرت قائم عج الله تعالی فرجه الشریف بجای آورند را برای وی منظور می فرماید و اجر هزار هزار عمره که با حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گیرد را به وی داده و همچنین ثواب آزاد نمودن هزار هزار عبد را به او اعطا کرده و اجر کسی که هزار هزار دو بار اسب را در راه خدا انفاق کرده است را به وی عنایت می فرماید.

دعای عرفه

دعای عرفه امام حسین(ع) یکی از عارفانه ترین و پرمغزترین ادعیه روایی در شیعه است که دارای مضامین آموزنده و محتوای غنی برای مردم است. یکی از ویژگی های این دعا، خداترسی و خشوع در برابر پروردگار است. امام حسین(ع) آن چنان در این دعا خود را فقیر در برابر خداوند می بیند بگونه ای که این نیایش، نمونه کاملی از صحبت های یک بنده نسبت به مولای خویش است. این دعا با حمد و ثنای الهی و ذکر صفات خداوند و برشمردن نعمت های بی شمار او آغاز می شود. سپس امام حسین(ع) در حالی که اشک از دیدگانشان جاری است شروع به درخواست حاجات از درگاه الهی می کنند. این قسمت دعا با این جمله آغاز می شود: خدایا مرا

ترسان از خود بگردان گویا تو را می بینم. اولین حاجت امام از خداوند درخواست خشیت و ترس خدا است که این اولویت، خود نشان دهنده اهمیت این امر است. نکته جالب توجه این است که امام(ع) چگونگی این ترس را تشبیه به ترس کسی می کنند که خدا را می بیند. رؤیت خداوند نادیدنی، بیانگر شدت معرفت و شهود و توجه نسبت به خداست. بنابراین امام(ع) ترسیدن شخص عارف را امری مسلم در نظر گرفته اند؛ لذا ترسی از خدا طلب می کنند که مانند ترس عارفان راستین در حین رؤیت پروردگار باشد. امام(ع) در فراز پایانی که جایگاه عرضه مهم ترین حاجات است حاجتی را بیان می کنند که به تنهایی بر همه حوائج دیگر غلبه دارد؛ رهایی از آتش دوزخ. عارفان نیک می دانند که جهنم اوج تجلی غضب و خشم الهی است و شایسته نیست بنده عارف، غضب پرورگار عظیم متعال را کوچک بشمارد و از آن مهیب ترین جایگاه عالم پروا نداشته باشد.

پاسخ به یک اشتباه

این تعبیر مشهور که امام حسین(ع) آخرین حج خود را نیمه تمام گذاشت، سخن نادرستی است؛ زیرا روز هشتم ذی الحجه یوم التَّرویه نام دارد. در این روز حجاج به نیت حج تمتع مُحرم شده و به سمت منا حرکت می کنند. آنها شب را در منا می مانند و صبح روز بعد که عرفه نام دارد به سمت صحرای عرفات رهسپار می شوند. حج تمتع زمان مشخصی دارد و شروع آن از نهم ذی الحجه است. همین دلیل کافی است، تا بدانیم نقل حج ناتمام امام(ع) نقلی اشتباه است؛ چون حاجیان در شب نهم ذی الحجه با توقف در عرفات حج را آغاز می کنند، در حالی که امام در هشتم ذی الحجه از مکه خارج شدند. اغلب روایات معتبر به انجام اعمال عمره توسط امام اشاره دارند، نه تبدیل حج تمتع به عمره. اعمال حج از نهم ماه ذی الحجه آغاز می شود؛ بنابراین، امام اصولاً وارد اعمال حج نشده بود تا بخواهد آن را نیمه تمام گذارد. مسلماً حضرت در آن سال در هنگام ورود به



مکه، عمره مفرده انجام داد. چه بسا در طول اقامت چند ماهه خود در مکه و احتمالاً در فاصله های مختلف، اقدام به انجام اعمال عمره کرده بود. اما انجام اعمال عمره مفرده، به معنای ورود در اعمال حج نمی شود.

اما چرا با وجود آن که یکی از علل انتخاب مکه، داشتن فرصت مناسب برای تبلیغ دیدگاه خود بود؛ امام در این شرایط زمانی ویژه که اوج حضور حاجیان از سرتاسر نقاط مختلف در مکه، عرفات و منا است و بهترین فرصت تبلیغی برای آن حضرت فراهم آمده است، ناگهان مکه را ترک کرد؟ می توانیم علل این تصمیم ناگهانی را چنین ذکر کنیم:

امام در شبی که صبح آن قصد خروج از مکه را داشتند، با برادرشان محمد حنفیه ملاقات کردند. حنفیه خیانت و پیمان شکنی کوفیان را به ایشان یادآور شد. او از امام خواست که برای امنیت بیشتر و حفظ جان خود در حریم کعبه بمانند. در بعضی از متون به صراحت سخن از این مطلب به میان آمده که یزید عده ای را همراه با سلاح های فراوان برای ترور امام در مکه فرستاد.

سپس حنفیه پیشنهاد هجرت به یمن را مطرح کرد، اما امام نمی توانست به دلیل پیشینه مردم کوفه در خیانت آن ها را رها کند؛ زیرا در توبه و امتحان همیشه به روی انسان ها باز است و امام که در مقام راهنما قرار دارد، نمی تواند کسانی را که از او دعوت کرده و علیه ظالم یاری خواسته اند، تنها رها کند. علاوه بر آن شیعیان یمن از امام دعوتی به عمل نیاورده بودند و این در برابر هزاران هزار نامه ای که کوفیان برای امام نوشته بودند، چاره ای برای امام جز سفر به سمت کوفه باقی نمی گذاشت.

امام حسین(ع) در جواب برادرشان محمد حنفیه فرمودند: از آن بیم دارم که مرا در حریم حرم به قتل برسانند و حرمت کعبه شکسته شود. همچنین امام(ع) در جواب ابن زبیر می فرماید: پدرم برای من نقل کرد که در مکه قوچی است که به وسیله او حرمت شهر شکسته می شود و من دوست ندارم که مصداق آن قوچ باشم.

منابع و مأخذ:

* کافی ج ۲ ص ۶۸

* تاریخ طبری ج ۴، ص ۲۵۳

* کامل الزیارات، النص، ص ۱۷۲

✍ سامان سنگ سفیدی، امور تربیتی ۱۴۰۲

پیشنهاد می شود تا به کمک هر یک از این روش های نوین در آموزش ویژه به اثربخشی بیشتر و تاثیرگذاری بیشتر بر دانش آموزانشان دست پیدا کنند. برای اطلاعات کامل و بررسی دیگر گروه ها میتوانید به مقاله کاربرست تکنولوژی آموزشی در برنامه درسی دانش آموزان با نیازهای ویژه در سایت های سیویلیکا و sid مراجعه فرمایید.

دکتر پدرام صفاری، امیرحسین حاتمیان
افشاری، محمد رحمتی

شباهت به دوستان؟!!

آیا این عبارت درست است که ما شبیه به دوستانمان می شویم؟ در یک بررسی جالب و جذاب کارولین پارکینسون از دانشگاه کالیفرنیا به دنبال این بود که ببیند درست است که ما شبیه به دوست هایی می شویم که بیشترین وقتمان را با آنها می گذرانیم؟ به منظور رسیدن به جواب پژوهشگرها از ۲۷۹ دوست دعوت کردن که در مطالعه شرکت کنند روند انجام آزمایش هم به این شکل بود که در مرحله اول شرکت کننده ها باید به مجموعه کلیپ در حوزه های مختلف علمی، فرهنگی، کمدی و را تماشا می کردند. در مرحله دوم و همزمان با تماشای این کلیپها فعالیت های مغزی شرکت کننده ها با استفاده از FMRI ثبت می شد و تصویر برداری های مغزی ثبت شده از نظر ساختار و شباهت ادراک و پردازش و تحلیل داده ها کنار یکدیگر قرار می گرفت. خروجی جالب بدست آمده از یافته ها نشان می دهد: هر چقدر که به یک فرد نزدیک تر باشی مغز شما رنگ و بوی مغز او را خواهد گرفت و مغز ها شبیه به یکدیگر می شوند به عبارت دیگر: وقتی پژوهشگرها پاسخ های عصبی مغز دوستان صمیمی رو کنار هم قرار دادند متوجه شدند فعالیت های مغزی دوست های نزدیک، در مشاهده و پردازش مسائل خیلی شبیه به همه و نوع درک و واکنشی که فرد به یک اتفاق دارد خیلی شبیه به دوستیه که بیشترین صمیمیت رو با اون احساس می کند. این ماجرا تا جایی مهمه که دکتر پارکینسون میگه: تنها با دیدن واکنش مغز یه آدم به یک کلیپ شما میتونید پیش بینی کنید که دوست این فرد در جمع چه فردی است. به طور خلاصه ما میانگین چیزی هستیم که در اطرافمون قرار دارد، ورودی ها را شما تنظیم کنید؛ خروجی ها خود به خود تنظیم می شوند.

محمد فدایی، امور تربیتی ۱۴۰۲

مشکلی که در اینجا به عنوان یک چالش اساسی جهت نیل به اهداف مذکور برای دانش آموزان با آسیب بینایی مطرح می شود، ناکارآمد بودن ابزار و روش های سنتی آموزش است. یکی از بهترین راه های موجود برای کاهش این مشکل استفاده از تکنولوژی آموزشی و فناوری آموزشی می باشد. افراد آسیب دیده بینایی برای ابزارهایی ارزش قائل اند که به خودمختاری و استقلال آنها کمک کند. تکنولوژی آموزشی این امکان را به دانش آموزان با آسیب های بینایی میدهد که استقلال داشته باشند و سطح آموزش پذیری آنها افزایش می یابید.

نرم افزار ها و سخت افزار های کاربردی

۱- نرم افزار های صفحه خوان: کاربر نابینا با استفاده از این نرم افزارها میتواند با هر ابزار مبتنی برسیستم عامل کار کند و از امکانات آموزشی آن استفاده کند.

۲- کیبورد تاک بک گوگل: تاک بک یک کیبورد بریل مجازی است کیبورد راهی سریع و آسان برای تایپ با موبایل بدون نیاز به سخت افزارهای اضافی است.

۳- لگو های (آجرهای پلاستیکی) بریل: لگوهای بریل شامل اعداد و حروف بریل هستند که بر روی پلاستیک حک شده اند و کودکان نابینا میتوانند به کمک آنها شکل های گوناگون بسازند. و آموزش را با بازی تلفیق کنند.

۴- صفحه نمایش بریل: نمایشگر بریل یا پایانه بریل یک دستگاه الکترومکانیکی برای نمایش کاراکترهای بریل است. کاربران رایانه ای با اختلال بینایی می توانند از آن برای خواندن خروجی متن استفاده کنند.

۵- انگشتانه بریل: در این انگشتانه ویژه یک فناوری مینیاتوری به کار رفته است که به کاربر اجازه می دهد انگشت خود را روی یک واژه معمولی سر بدهد و آن را به خاطر یک بازخورد لمسی به صورت یک خط بریل حس کند و آن را بخاند.

نتیجه گیری: برای این گروه دانش آموزان با نیاز های ویژه در کنار آموزش رسمی و متداول در مدرسه میبایست با پیشرفت های فناوری اطلاعات و ارتباطات از تکنولوژی آموزشی بهره گرفت تا به کمک امکانات سخت افزاری، نرم افزاری و روش های نوین به بهینه سازی آموزش ویژه و افزایش اثربخشی و یادگیری پرداخت. به آموزگاران محترم

کاربست تکنولوژی آموزشی

برای یادگیرندگان با آسیب بینایی



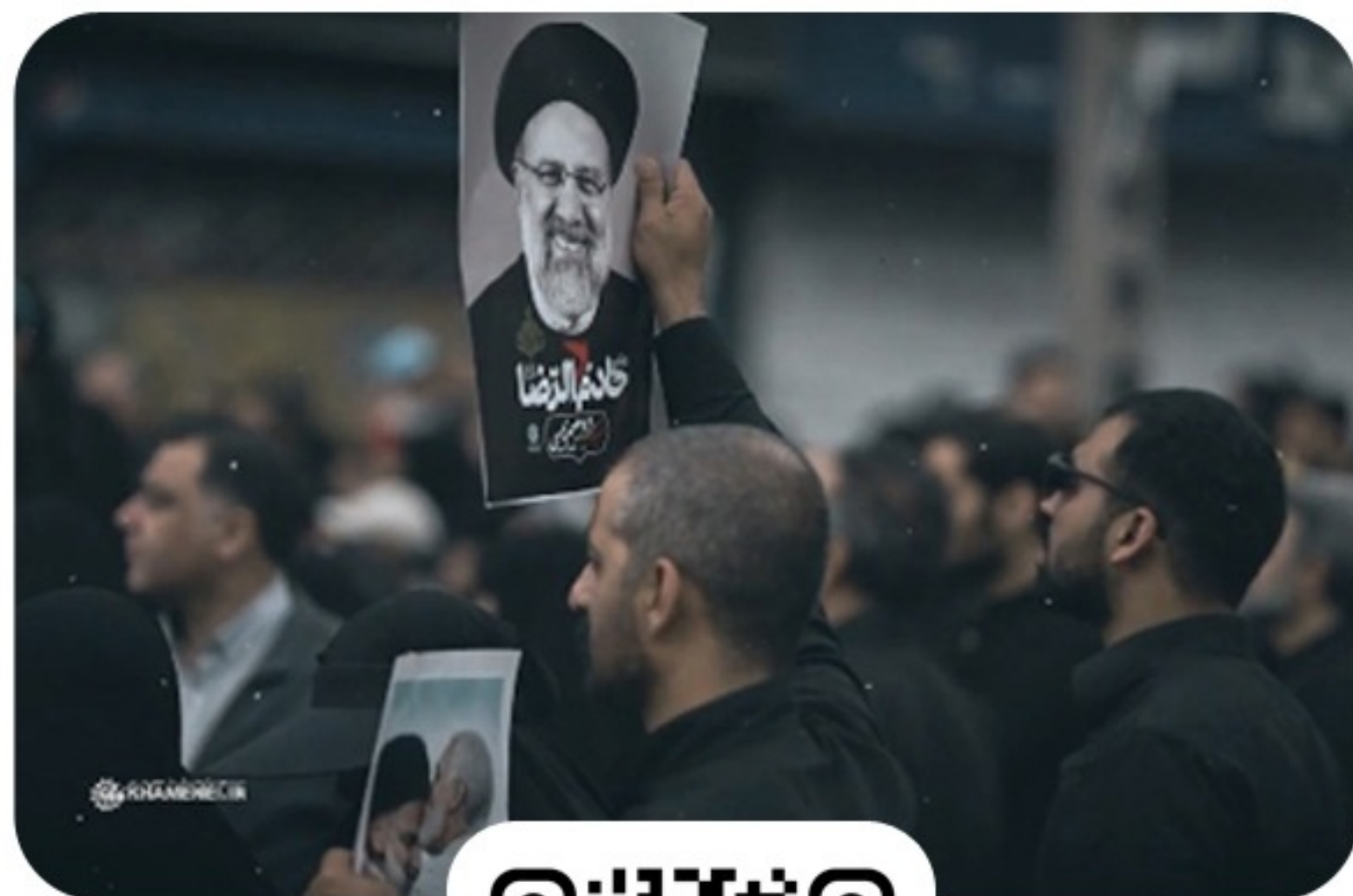
مقدمه: کودکان با نیازهای ویژه کودکانی هستند که از نظر هوش، حس، جسم، یادگیری رفتاری یا ارتباطی با محدودیت مواجه اند و به همین دلیل به آموزش ویژه و خدمات وابسته نیاز دارند تا محدودیت های آنان کاهش یابد یا از بین برود. آموزش ویژه، آموزش طراحی شده خاصی است که نیازهای غیر معمول دانش آموزان با نیازهای ویژه را برآورده می سازد. استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات باعث بهبود بخشیدن به فرآیند آموزش برای دانش آموزان با نیازهای آموزشی ویژه می شود. تکنولوژی آموزشی عبارت است از مجموعه روش ها و دستورالعمل هایی که با استفاده از یافته های علمی برای حل مسائل آموزش اعم از طرح، اجرا و ارزشیابی در برنامه آموزشی به کار گرفته می شود.

اهداف و سوالات پژوهش: هدف این پژوهش تشریح کاربرد تکنولوژی آموزشی در برنامه درسی یادگیرندگان با آسیب بینایی می باشد. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سوالاتی از قبیل این موارد است: یادگیرندگان با نیازهای ویژه شامل چه گروه هایی می شود؟ برای گروه دانش آموزان با آسیب بینایی از چه روش ها و ابزاری در تکنولوژی آموزشی می توان استفاده کرد؟

روش پژوهش: پژوهش حاضر به روش مرور کتابخانه ای و با استفاده از منابع چاپی مختلف و همچنین منابع الکترونیکی مستخرج از مراجع علمی الکترونیکی مورد بررسی قرار گرفته است.

کاربرد تکنولوژی آموزشی:

آسیب های بینایی یک اصطلاح کلی است که سطوح مختلف آسیب های بینایی از نابینایی مطلق گرفته تا کم بینایی را در برمی گیرد. شایان ذکر است که از نظر آموزشی، کودکی مبتلا به آسیب بینایی محسوب می شود که قادر به استفاده از کتب و برنامه های عادی آموزش و پرورش نبوده و لازم است برای آنان وسایل ویژه ای تدارک دید.



وداع مردم با خدمتگزارشان
برای نمایش بارکد را اسکن کنید.



**افرادی که تمایل به همکاری در
مقاله نویسی و چاپ نشریه را دارند**

با شماره: ۰۹۲۳۱۴۶۷۱۱۶

تماس بگیرند.

◆ هیئت تحریریه

مدیرمسئول: محمدمهدی ایلیاتی

سردبیران: امیررضا عادل، رضوان نادری

مدیر اجرایی: علیرضا رضایی

مدیر داخلی: مهدیس مرآتی

مدیر برنامه ریزی: حسام الدین امجدیان

روابط عمومی: محمدحسن امیری

دبیر تخصصی: سامان سنگ سفیدی

دبیر سیاسی: کیمیا میرزایی

دبیر فرهنگی-اجتماعی: بهاره شرفی

دبیر علمی-پژوهشی: آیسا ولدی

دبیر تعلیم-تربیتی: هایده مفاخری

کنگره شهدا: سالار کرمی

الهی، کمک کن جز به وحدانیت تو نیندیشم!

عهده شما می باشد؛ شما با تربیت کردن فرزندان برومند، آینده اسلام را تضمین می کنید و شما هستید که باید با پرورش دادن نوباوگان اسلام پایه ها و ستون های دین را مستحکم نمایید، شما هستید که باید با معرفی نمودن چهره آمریکای خونخوار و صدام بعثی و اسرائیل غاصب و مشخص نمودن چارچوب های اسلام، این دین آزادی بخش را تضمین نمایید. الهی! کمک کن تا این عمل من جهت حفظ دین تو و بخاطر آیین تو، برای حراست از مکتب گهربار اسلام تو باشد.

الهی! کمک کن تا اگر شهید شدم در زمان شهادت و قبل از آن جز به وحدانیت تو نیندیشم.

بارالها! از تو استعانت می جویم تا دستم، پایم، زبانم، فکرم و فطرتم جز رضایت تو را نطلبم.

خدایا! سعادت و خوشبختی خویش را در آمرزش و مغفرت از جانب تو میدانم.

الهی! قلبم پوشیده از زنگارهای جهل و خرافات است. خدایا تو خود آن را با نورانی بودن روشن بگردان؛ زیرا که نور سماوات والارضی.

خدایا! هوای نفسم بر عقلم چیره است و طاعتهای من بسیار اندک و گناهانم بسیار زیاد، ای کسی که بر همه چیز آگاهی، و ای کسی که از آشکار و نهان با خبری چاره من بیچاره را بساز، تکلیف من چه میشود ای بسیار آمرزنده...

خدایا! می خواهم که خودت کمک کنی و لطف خویش را شامل حال این بنده کنی. باشد که از لطف و رضای تو بهره مند گردم و شهادت نصیبم گردد.

بخشی از وصیت نامه شهید ولی اله روزگرد



بسیجی و دانشجوی شهید
ولی اله روزگرد در سال ۱۳۴۰
در خانواده ای مذهبی و کشاورز
در نفت شهر استان کرمانشاه



دیده به جهان گشود. از کودکی دارای صوت زیبایی بود و گرایش به خواندن قرآن و اذان پیدا کرد و از قاریان و مؤذنین مساجد بود، وی در دوران نوجوانی در کارهای کشاورزی و کارگری به امرار و معاش خانواده کمک می کرد و در حرکت های ضد رژیم و طاغوت ستم شاهی یکی از پیروان راستین امام راحل بود و فعالانه در بخش و توزیع اعلامیه های صادره از طرف امام(ره) و راهپیمایی ها شرکت داشت.

شهید از استعدادی خاص برخوردار بود و دوران تحصیل خود را با رتبه های برجسته و عالی از دوران ابتدایی تا دانشسرا را طی نمود، ایشان دانشجوی رشته ادبیات فارسی مرکز تربیت معلم شهید اشرفی کرمانشاه بود و در مدت تحصیل از نظر اخلاق و رفتار و نظم و انضباط مورد توجه مسئولین آموزشگاه وقت خود بود. شهید روزگرد در دوران حیاتش موفق گردید به همراه سایر دانشجویان و مدرسین یک بار از نزدیک با بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در شهر خون و قیام قم دیدار نماید و همیشه به عنوان یکی از شیرین ترین خاطرات زندگی خود از او یاد می نمود در زمان تحصیل از شاگردان ممتاز بود و از نظر درسی و اخلاقی مورد توجه مسئولان آموزشگاه قرار می گرفت در دانش سرای مقدماتی با رتبه عالی فارغ التحصیل شد و به همین دلیل بدون آزمون ورودی از مرکز تربیت معلم شهید اشرفی اصفهانی پذیرفته شد و از دانشجویان با ذوق و استعداد بود. علی رغم اینکه قصد داشت سنت رسول خدا(ص) را احیا کند و تشکیل خانواده دهد اما به ندای رهبر عزیزش لبیک گفت و به جبهه های جنگ شتافت تا اینکه در تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۳ در محور عملیاتی سومار به آرزوی خود که همان شهادت در راه خدا بود، رسید.

شهادت نه تنها مرگ نیست؛ بلکه عین حیات است، عین زندگی است. شهادت گذر روح ملکوتی انسان از قبض تن و رسیدن به خدا می باشد. شهادت پیامی دارد و دوست دارم ابتدا پیام خطاب به همکاران عزیزم باشد، آن عزیزی که شغل آنان همانند شغل پیامبر است آن برادرانی که کار آن ها انسان سازی است، برادران عزیز کوشش کنید که حفظ و حراست از اسلام به